

اتحاد دوستی جوانان بریتانیا - شوروی

۱۹۴۲

آموزش در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

فهرست

۱. مقدمه
۲. چند واقعیت کلی
۳. آموزش ، مردم و دولت
۴. جنبه تاریخی
۵. سیستم آموزشی کنونی
۶. آموزش پیش دبستانی
۷. مدارس ابتدائی و متوسطه
۸. آموزش فنی و حرفه ای
۹. آموزش عالی
۱۰. آموزش برای بزرگ سالان
۱۱. سوالاتی برای بحث
۱۲. فهرست منابع

" طرح کلی تشکیلات جوانان اتحاد جماهیر شوروی از نظر من بطور تحسین آمیزی خوب و کامل است." بی بیتریس وب (Beatrice Webb)

آموزش و تحصیل در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

۱- مقدمه

تمام کسانی که در رابطه با اتحاد شوروی مطلب می نویسند، از جمله خود نویسندگان روس، سیستم آموزشی آن را مورد توجه بسیار قرار میدهند زیرا که این مساله در آنجا همواره دارای اهمیت خاصی بوده است. از آنجا که روسیه یک کشور بسیار عقب مانده دهقانی با یک اکثریت بی سواد بود موفقیت اتحاد شوروی بستگی به پیشرفت هر چه سریعتر به سوی یک کشور صنعتی داشت. برآورده شدن این نیاز خود در گرو امکان آموزش سریع توده بزرگی از مردم بود. چهار روز بعد از استقرار دولت شوراهای در سال ۱۹۱۷، بلشویکها یک برنامه درازمدت آموزشی تدوین کردند. محورهای عمومی این برنامه در کتاب بیاتریس وب (Beatrice Webb) به نام " کمونیسم شوروی" به این شرح توضیح داده شده است:

"... ارائه همگانی و غیر طبقاتی با دو هدف "روشنگری" و آموزش برای زندگی متنوع و با کمال، برای همه سنین از خردسالی تا بزرگسالی، بی اعتنا به سنتهای آموزشی کهنه شده؛ صریحا فقط بر پایه آخرین دست آوردهای علمی در تمام شاخه های آن، عاری از هر گونه خرافات؛ با هدف نهایی قرار دادن افراد در جایگاه مناسب برای خدمت همیشگی به جامعه؛ کل این سیستم باید اساسا رایگان، سکولار، و برای همه اجباری باشد"

منظور از این بررسی اجمالی دادن اطلاعات مستند در باره سیستم آموزشی کنونی شوروی و ارائه چهارچوبی برای بحث و مطالعه متد و هدفهای آن و نقشی که در زندگی جوانان بازی میکنند میباشد.

۲- چند واقعیت کلی :

در قانون اساسی اتحاد شوروی آموزش رایگان و اجباری تا سن ۱۵ سالگی برای همه در نظر گرفته شده است. اصل ۱۲۱ قانون اساسی اتحاد شوروی می گوید:

" شهروندان شوروی از حق تحصیل برخوردارند. این حق با ارائه آموزش همگانی و اجباری در مقطع ابتدایی، با ارائه تحصیلات رایگان منجمله تحصیلات عالی، با ارائه بورس دولتی که اکثریت دانشجویان در موسسات آموزش عالی دریافت میکنند، با ارائه تحصیلات به زبان مادری در مدارس، با ارائه آموزش رایگان حرفه‌ای و تکنیکی و کشاورزی برای زحمتکشان در کارخانه‌ها، در مزارع دولتی، در مراکز ماشین آلات و تراکتور، و در مزارع اشتراکی تضمین شده است."

در جمهوری‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی دروس به زبان مادری تدریس می‌شوند. دختران و پسران همیشه در مدارس مختلط تحصیل میکنند. اخیراً شهریه اندکی برای تحصیل از سن ۱۵ سال به بالا در نظر گرفته شده است. در هر حال، برای تمام دانش آموزانی که از نظر تحصیلی به رتبه مورد نظری برسند، بورس دولتی تعلق می‌گیرد. این بورس تا زمانی که دانش آموز مشغول به تحصیل باشد کافی است. سوالی که دانش آموزان شوروی همیشه از دانش آموزان دیگر ملل می‌پرسند این است که " به شما چه مقدار برای تحصیل در کشور خود پرداخت می‌گردد؟". آموزش برای کار در مراکز صنعتی بصورت رایگان ارائه میشود.

در اتحاد شوروی آموزش تنها محدود به تحصیل در کلاس درس و یا صرفاً برای جوانان نمی‌باشد. این بخشی از زندگی اکثریت مردم است. در اینجا یکی از اصول هدایت کننده این است که آموزش باید بخشی از زندگی واقعی مردم باشد، و نه فقط آموزش کتابی، بلکه کودکان باید برای کار کردن و عضو مفیدی برای جامعه شدن آماده شوند، و اینکه آموزش باید پایه ای جامع برای زندگی آینده آنها بنیان بگذارد.

۳- آموزش، مردم و دولت

در اتحاد جماهیر شوروی برنامه ریزی برای آموزش مرکزیت یافته است و توسط کمیساریاها در جمهوری‌های متحد و یا خودمختار عملی میشود. آزادی عمل قابل ملاحظه ای در این برنامه ریزی برای شرایط متفاوت در نظر گرفته شده است. کمیسیون برنامه‌ریزی مرکزی که اقتصاد تمام اتحاد جماهیر شوروی را برنامه ریزی میکند دارای یک بخش فرهنگی است. این کمیسیون کار برنامه‌ریزی عمومی آموزش را در مواردی مانند تعداد مدارس جدیدی که باید ساخته شوند و نوع مدارس، تعداد معلمان جدید و کتابخانه و غیره را به عهده دارد. برای مثل در برنامه پنج ساله سوم ساخت تعداد ۲۰،۰۰۰ مدرسه جدید و تربیت ۵۰۰،۰۰۰ معلم جدید در نظر گرفته شده است. کمیسیون برنامه‌ریزی همچنین تصمیم گیری در باره سهم هر جمهوری برای آموزش از کل بودجه را به عهده دارد. کمیساریای آموزش هر جمهوری، بر اساس خطوط کلی برنامه آموزشی کشور، مسئول هزینه بودجه و مدیریت آموزش منطقه خود می‌باشد. این تقسیم کار بین کنترل مرکزی و کنترل جمهوریها به این معنی است که اصول بنیادی توسط کمیته آموزش شورای کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی بنا گذشته میشوند که جهت عمومی را رهنمود میدهند. کمیساریای هر جمهوری برای اجرای این اصول جزئیات بیشتری را مانند تنظیم جدول زمانی و را مشخص میکند.

آموزش موضوعی است که مورد علاقه شدید مردم قزار دارد. رابطه دوستانه بین مقامات مدرسه، کارمندان و دانش‌آموزان این علاقه را برانگیخته است. از طریق شوراهای مدارس و دانشگاهها، کارمندان آموزشی و شاگردان در مدیریت آموزش و تحصیل دخالت عمده دارند. شوراهای والدین، کمیسیونهای آموزش شوراهای محلی، اتحادیه‌های صنفی و بسیاری از سازمانهای مردمی دیگر در سازماندهی آموزش شرکت میکنند. میزان سرمایه گذاری دولت در آموزش سرعت بالارفته است. تخمین زده میشود که بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۱ میزان سرانه سرمایه گذاری در بخش آموزش ۸ برابر شده و امروز ۱۲ درصد کل بودجه کشور را تشکیل میدهد.

۴- جنبه تاریخی

قبل از استقرار دولت شوراهای هیچ برنامه آموزش عمومی وجود نداشت و میلیونها کودک هرگز به مدرسه راه نیافتند. بخش بزرگی از جمعیت، دهقان و نادان و بی‌سواد و انباشته از خرافات بود. برای اقلیتهای ملی این وضع به مراتب بدتر بود زیرا که سیاست دولت خرد کردن فرهنگهای ملل دیگر مانند اکرائینی ها و گرجی ها بود. آنها اجازه استفاده از زبان خود در روزنامه ها، کتابها، یا در دادگاهها را نداشتند و آنهایی که به مدرسه می‌رفتند باید بزبان روسی آموزش میدیدند.

تصویری از دیدگاه رسمی دولت در مورد آموزش توسط شیسکف وزیر تعلیمات، در حضور تزار الکساندر این چنین ترسیم شده است:

" دانش فقط زمانی مفید است که "مانند نمک" به مقدار کم و بر اساس وضعیت مردم و نیازهایشان عرضه شود.... آموزش همگانی مردم حتی آموزش اکثریت مردم بیشتر باعث ضرر است تا فایده."

عضو برجسته دیگری از همین دولت گفت: " تحصیلات باید متناسب با میزان موفقیت و سعادت تعلیم دیده شده باشد".

مدارس و دانشگاههای موجود آنزمان برای آموزش فرزندان طبقات بالا بود ولی محدودیتهای شدید دولت آنها را از ارزشهای فرهنگی محروم کرده بود. وضعیت آنقدر بد بود که خودکشی در میان دانش آموزان به کثرت اتفاق می افتاد. بنابر نوشته خانم هبی اسپاول (Miss Hebe Spaul) در کتاب "جوانان روسیه" این مساله آنقدر جدی شده بود که یک کمیسیون مخصوص برای بررسی علل این خودکشی ها تاسیس کرده بودند. در حدود هفتاد و سه درصد بزرگسالان بیسواد بودند. در بعضی از اقلیتهای ملی، میزان باسوادی زیر ۵ درصد بود. (در قزاقستان ۲ درصد، در ازبکستان ۱ درصد، در تاجیکستان ۵ درصد) و ۱۲۴ از ۱۷۵ ملیت در امپراطوری روسیه الفبای نوشتاری نداشتند.

با این چنین زمینه ای و با وضعیت هرج و مرج کشور در اولین سالهای بعد از ۱۹۱۷، سیستم آموزشی شوروی بطور از قبل آماده شده ای شکوفا نشد. این وضعیت با قحطی وحشتناک سال ۱۹۲۱ حتی بدتر شد. جنگ و قحطی تعداد زیادی جوان یتیم، تهیدست، و بیخانمان بجا گذاشت. آنها بصورت باندهای خلافکار، قانون گریز و کاملاً شرور شکل گرفتند که روزگار خود را با دزدی و قتل میگذراندند و به یک عامل وحشت برای ساکنین شهرها و حومه آن تبدیل شدند. آنها در زیر زمین ها و فاضلاب ها زندگی میکردند و شدیداً از نظر جسمی و ذهنی بیمار بودند. این کودکان نه تنها به آموزش بلکه به نجات اخلاقی نیاز داشتند.

به سالها تلاش سازنده در تقابل با مشکلات باورنکردنی نیاز بود. بدلیل گسترش سریع برنامه آموزشی، وسایل موجود کتفش لازم را نداشتند؛ کمبود معلم، کتاب، ساختمان، و وسایل بطور برجسته ای وجود داشت. تا سالها مدارس شهرهای پر جمعیت مانند مسکو باید در شیفت های متعدد کار میکردند. اضافه بر این، نادانی و خرافات گسترده وجود داشت که باید از جامعه پاک می شدند، در بعضی مناطق دور افتاده این عقب ماندگی بشکل مخالفت فعال با معلمان از طرف قبایل ابتدائی قبلاً تحت ستم بروز میکرد.

۵- سیستم آموزشی کنونی

(الف) از خردسالی تا سنّ هشت سالگی: مهد کودک، کودکستان، زمین بازی و تفریحگاه، شیرخوارگاه

(ب) مدارس ۷ ساله: اجباری برای همه، سنین ۵-۸ سالگی

(ج) مدارس ۱۰ ساله: سنین ۸-۱۸ سالگی، در شهرها قبل از شروع جنگ تحصیل ۱۰ ساله در حال اجباری شدن بود (امروز تحصیلات اجباری در سنّ ۱۵ سالگی به پایان می رسد).

(د) آموزش صنعتی: کارخانه و مدارس صنعتی

(ه) آموزش حرفه ای: دانشگاهی و مدارس حرفه ای

(و) تحصیلات عالی: دانشگاهها، مدارس و انستیتوهای تخصصی

(ز) آموزش بزرگسالان: کلوبها، دروس مکاتبه ای، فیلمها، و غیره

۱۹۴۰	۱۹۱۳	
۳۵،۰۰۰،۰۰۰	۷،۸۰۰،۰۰۰	تعداد کودکان در مدارس ابتدائی تا دبیرستان
۹۵۱،۰۰۰	۳۵،۸۰۰	تعداد دانشجو در مدارس حرفه‌ای
۷۱۸	۷۱	تعداد دانشگاه‌ها
۶۵۰،۰۰۰	۱۱۲،۰۰۰	تعداد دانشجویان دانشگاه

۶- آموزش پیش دبستانی

یک سیستم اختیاری آموزش پیش دبستانی برای کودکان زیر ۸ سال در حکومت شوروی ارائه شد. قبل از آن تنها برای ۵۵۰ نفر مهد کودک در نظر گرفته شده بود. ظرفیت مهدکودک‌ها از ۶۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۲ به بیش از سه میلیون نفر در سال ۱۹۳۷ افزایش یافته و هم اکنون نیز سیر صعودی دارد. مهد کودک‌ها معمولاً همجواری محل کار مانند کارخانه، مزارع اشتراکی، قرار دارند یا آنکه چندین بلوک آپارتمان را شامل میشوند. پدر و مادرها، مدیریت و کمیته اتحادیه صنفی کارخانه‌ها و مزارع و غیره که مهد کودک‌ها در آن قرار دارند، و همچنین کمیساریای بهداشت در اداره مهد کودک‌ها با هم همکاری میکنند. وقتی مادران نوزادان خود را در مهد کودک می‌گذارند، در بین ساعات کار برای تغذیه آنها مرخصی میگیرند. بنابراین مهم است که محل این مهد کودک‌ها نزدیک محل کار این مادران باشند. چند گزیده از سخنان خانم بیاتریس کینگ (Mrs. Beatrice King) در توصیف نمونه‌های عادی مهد کودک‌ها می‌آوریم تا وضعیت آنها را نشان دهیم.

اتاقها بسیار بزرگ اند و برای روشنایی حد اکثر بلند ساخته شده اند. هر اتاق دارای یک ایوان مسقف می‌باشد که بچه‌ها تابستان و زمستان در آن می‌خوابند. هر مهد کودک دارای یک آشپزخانه بزرگ است که غذای اصلی آنجا آماده میشود، مجهز به یک اتاق لباس شویی است، یک صحن بزرگ دارد که در زمان بازدید من زمین بازی و باغچه در آن قرار داشت. هر گروه (شامل ۱۲ تا ۱۵ کودک) دارای یک مسئول باتجربه به همراه یک نفر کارآموز کمک کار می‌باشد. مهدکودک‌ها یکی از قدرتمندترین مراکز آموزش والدین است.

مهد کودک‌ها کار شیرخوارگاه‌ها را ادامه میدهند، سپردن کودکان در آنجا نیز اختیاری است. تعداد کودکانی که به این مراکز سپرده میشوند افزایش یافته، ۸۰۰،۰۰۰ در سال ۱۹۲۸ به نیم میلیون در ۱۹۳۳ تو به سه و نیم میلیون در سال ۱۹۴۰. از طریق جلسات ماهانه شورای والدین با کارمندان، همکاری نزدیکی بین کارمندان شیرخوارگاه‌ها و والدین صورت می‌گیرد. والدین تشویق میشوند که از مدرسه بازدید کنند و معلمان نیز تشویق میشوند که از منازل کودکان بازدید نمایند. کودکان بر اساس رده سنی، کمی آموزش می‌بینند، مقدار زیادی بازی میکنند می‌خوابند و تغذیه میشوند. آموزش رسمی از سن ۶ سالگی آغاز میشود. علاوه بر این، تعداد کثیری زمین بازی و همچنین در همه ایستگاه‌های بزرگ راه آهن خدمات توسط "اتاق کودکان" ارائه میشوند.

کودکان شوروی که به این شیرخوارگاه‌ها و مهد کودک‌ها میروند از همان ابتدا به طور مناسب نگهداری شده و اصول بهداشت و نظافت را فرا میگیرند. در هر کدام از این مراکز، یک کارمند پزشکی مشغول بکار است. فعالیت کودکان و از آنجمله بازیها در این مراکز به گونه ای طراحی شده اند که باعث رشد عادات اجتماعی، اعتماد به نفس، و حس مسئولیت در کودکان میشوند. به عنوان نمونه، یک بازی پرطرفدار در میان نوجوانان، خانه سازی با کنار هم چیدن یک مجموعه از آجرهای رنگی است. بدلیل بزرگی آجرها، کودکان به تنهایی قادر به حمل و چیدن آنها نیستند و لازم است با همکلاسی دیگری همبازی شود.

برای مادران، این سیستم به این معنی است که کسانی که میخواهند کار کنند یا فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند به دلیل داشتن فرزند خردسال در خانه حبس نخواهند شد. این فاکتور مهمی است برای عملی و واقعی کردن خواست تنوریک

برابری مردان و زنان . در ضمن این مراکز مدرسه ای برای والدین است تا بهترین نحوه بزرگ کردن فرزندان خود را بیاموزند .

۷- مدارس ابتدائی و متوسطه

۱۹۴۲	۱۹۳۳	۱۹۲۹	۱۹۱۳	
۲۳،۰۰۰،۰۰۰	۲۱،۳۰۰،۰۰۰	۱۱،۷۰۰،۰۰۰	۶،۸۰۰،۰۰۰	مدرسه ابتدائی ۷ سال (۸-۱۵)
۱۷،۰۰۰،۰۰۰	۵،۵۰۰،۰۰۰	۰۰۰،۲،۷۰۰	۱،۰۰۰،۰۰۰	متوسطه ۱۰ سال (۸-۱۸)
۴۰،۰۰۰،۰۰۰	۳۳،۴۰۰،۰۰۰	۱۴،۴۰۰،۰۰۰	۷،۸۰۰،۰۰۰	جمع

تحصیلات اجباری از ۸-۱۵ سالگی در مراحل مختلف در اتحاد شوروی به اجرا گذشته شده است ، می‌توان گفت که امروز تمام روستاها نیز صاحب مدرسه شده‌اند. بیش از ۲۰،۰۰۰ مدرسه در دوران برنامه ۵ ساله دوم و ۲۰،۰۰۰ مدرسه دیگر در دوره برنامه ۵ ساله سوم ساخته شد که از آنها تعداد ۴۰۰۰ در شهرها و ۱۶،۰۰۰ در روستاها بوده است. مناطق بیشتر عقب مانده از کمک بیشتر دولتی برخوردار می‌شدند تا بتوانند خود را به سطح دیگر نقاط شوروی برسانند. هدف نهایی ، ایجاد مدارس ۱۰ ساله برای همه کودکان است که به عنوان یک قدم برای رسیدن به آن، برنامه ۵ ساله سوم دوره اجباری تحصیل تا سن ۱۸ سالگی در شهرها را در نظر گرفت (که در سطح گسترده ای عملی شد) ، و همچنین به میزان زیادی به تعداد دانش آموزان مدارس ۱۰ ساله در مناطق غیر شهری افزوده شد. اما در سپتامبر ۱۹۴۰ ، بخاطر وضعیت بین المللی لازم شد که این روند متوقف شود و سن ۸-۱۵ سال برای تحصیلات در شهر و مناطق غیر شهری اجباری و دوره ۱۰ ساله بصورت داوطلبانه در آمد. مدت کوتاهی بعد از آن تصویب نامه ای برای آموزش جوانان در کارخانه ها و مدارس کار آموزی از سن ۱۴ تا ۱۷ سالگی صادر شد .

روشهای آموزشی

پس از یک دوره آزمایش روشهای گوناگون تحصیل ، شیوه تدریس در مدارس شوروی عملاً چیزی شبیه این کشور (انگلستان- - دهه ۱۹۴۰- مترجم) است. اهمیت زیادی به موضوعات آموزشی منطبق بر زندگی واقعی داده شده است و نه به صرفاً یاد گیری کتابی. تدریس هر کجا که ممکن باشد با کار عملی همراه است ، همانند بریتانیا بازدیدهای آموزشی از کارخانجات، مزارع، تئاتر و موزه‌ها و باغ وحشها صورت می‌گیرند. استفاده از فیلم در حال افزایش است و ایجاد یک سالن نمایش در هر مدرسه جز برنامه می‌باشد.

زندگی در مدارس بخشی از زندگی جامعه اطراف آنها ، از طریق ارتباط دوستانه با یک کارخانه و یا یک مزرعه اشتراکی و یا از طریق شورای والدین و همچنین از طریق استفاده از مدارس در ساعاتهای تعطیلی ، شده است . آقای برنارد پارزر (Sir Bernard Pares) در کتاب " خانم پنگوئن (Ms. Penguin) در باره روسیه می‌گوید:

یکی از اهداف اصلی در آموزش شوروی این است که هر کارگر دارای مهارتهای مختلف باشد با درکی فراتر از فقط یک شیوه کاری (صرفاً کاری که انجام میدهند-م).... یک شهروند شوروی به طور کلی باید از شیوه کارکرد جامعه آشنا باشد. او باید از سازماندهی و شیوه توزیع تولید آگاهی داشته باشد. به این منظور، حتی در هنگام بازی و سرگرمی او باید به دانش خود بیفزاید .

مواد درسی تمام مدارس شامل علوم طبیعی، هنر ، موسیقی، تربیت بدنی و علوم اجتماعی است. با تصویب نامه ماه سپتامبر ۱۹۴۰ ، یک زبان خارجی ، انگلیسی ، آلمانی - فرانسه ، برای همه از سن ۱۲ سالگی اجباری شد. در مدارس که تدریس به زبان غیر روسی است ، زبان روسی هم تدریس میشود.

به آموزش موزیک، هنر و ادبیات بخاطر تاکید بر روی موضوعات عملی، بی توجهی نمی‌شود.

دکتر مورلی دیویس (Dr. Morley Davies) در یادداشتی در باره بازدید خود از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۳۹ مشاهدات خود را از ترجمه کتابهای هانس اندرسون، دیکنز و سروانتس (Hans Anderson, Dickens, Cervantes) در کتابخانه یکی از مدارس مسکو بیان می‌کند. کتب کلاسیک نویسندگان روسی مانند تولستوی، چخوف و همچنین گورکی و شلوخوف و نویسندگان مدرن دیگر در مدارس بطور وسیع خوانده میشوند. دکتر دیویس از بازدید خود از یکی از مدارس می‌گوید: در کلاس پنجم آنها از ابزار نقشه برداری استفاده میکردند که یک روش عملی است برای نشان دادن اندازه گیری همچون محاسبه سانتیمتر مکعب یا جمع اعداد کسری. او می‌گوید آموزش هندسه عملاً از کلاس هفتم (۱۴ سالگی) آغاز میشود که به نظر وی بسیار دیر است.

آموزش مذهبی آشکارا از مواد درسی مدارس حذف شده است و جای آنرا، در واقع از همان سال‌های اولیه، آموزش ماتریالیستی گرفته است.

انضباط

بعد از آزمایشات زیاد در مورد خودگردانی، مدارس شوروی سیستمی را اتخاذ کردند که در آن مدیر مدرسه و معلمان مسئول اصلی انتظامات مدرسه میباشند، اما هم زمان تا اندازه‌ای خود گردانی و همکاری بین معلمان، دانش آموزان و والدین برای اداره مدارس نیز وجود دارد. از سن دوازده سالگی دانش آموزان کمیته‌ای تشکیل میدهند که مسئول نظم کلاس، برنامه ریزی برای اوقات فراغت در مدرسه، نگهداری از اموال مدرسه و همچنین کمک به دانش‌آموزان عقب مانده است. بنا براین آنها یک وظیفه سنگین دارند که بچه‌های سنین پایین تر هنوز آمادگی عهده دار شدن آنرا ندارند. تنبیه بدنی یک جرم جنائی محسوب میشود، و در موارد بسیار سنگین ممکن است که دانش آموزی از مدرسه اخراج شود.

فرهنگ ورزش بدنی

تمام دانش آموزان تا سن پانزده سالگی، بااستثنای کسانی که قابلیت بدنی آنها ندارند، هر روزه توسط مربیان فارغ التحصیل از کالج‌های تربیت بدنی آموزش بدنی داده میشوند. هر بهار کودکان و نوجوانان آزمایش پزشکی میشوند، و آنهایی که نیاز به توانمندی دارند به خانه یا مراکز آسایش فرستاده میشوند. هر سال فستیوالهای ورزشی در سطح ملی و منطقه ای برای دانش آموزان برگزار میشوند که در آنها ورزش و بازیهای متنوع برگزار میشوند. هزاران دانش آموز برای دریافت نشان مخصوص "آماده برای کار و دفاع" امتحان میدهند. تیراندازی طرفداران بسیار زیادی دارد و بیشتر دانش آموزان تیراندازان ماهر هستند. در سال ۱۹۴۰ "کمیساریای خلق برای آموزش" دستوری صادر کرد مبنی بر اینکه تربیت بدنی در مدارس باید وسیعتر و بهتر شود و هر مدرسه باید دارای میدان ورزشی باشد و ساعات بیشتری برای ورزش در برنامه درسی گنجانده شود. ۳۲ مرکز منطقه ای بوجود آمدند که وظیفه آموزش کمک مربی برای ورزش مدارس را به عهده دارند.

ساعات بعد از مدرسه

دانش آموزان در صبح‌ها متناسب با سن آنها بین ۴،۵ تا ۶ ساعت تدریس میشوند. بعد از پایان ساعت کلاس‌ها، ساختمان مدارس برای "مجمع کودکان" بکار برده میشوند. دانش آموزان برای تشکیل این مجامع تشویق و راهنمایی میشوند. این مجامع در موضوعات ادبیات، کتاب خوانی، نمایش، شیمی، نقاشی، عکاسی، اکتشاف، و موضوعات دیگر فعال هستند. هر مدرسه یک گروه کر و غالباً یک ارکستر دارد. هدف این فعالیتهای شکل گیری و پیشرفت خود ابرازی خلاق دانش آموزان است. برای جامعه کردن آموزش، از تئاترهای کودکان، سینماها، کلوبها و مراکز فنی، و بالاتر از همه، از کاخهای پیش آهنگی کمک گرفته میشوند. این کاخهای پیش آهنگی در تمام شهرهای بزرگ وجود دارند. این مراکز به نحو شگفت آوری تجهیز شده‌اند: اتاقهایی با انواع بازیها، کتابخانه، اتاق‌های مربوط به دانش هوانوردی با دستگاه‌ها و مدل‌های هواپیما، اتاق مکانیک با موتورهای که قطعات آن را از هم جدا میشوند، سالن ورزش و غیره. در خانه پیشاهنگان مسکو یک سینمای کوچک در فضای باز وجود دارد و یک زمین رانندگی با علائم ترافیک که کودکان با اتومبیل‌های کوچک رانندگی میکنند و رعایت قوانین رانندگی به آنها آموزش داده میشود. نظم این مراکز داوطلبانه توسط اعضا که در سنین

مختلف زیر ۱۸ سال میباشند حفظ میشود. بیشتر افراد بر اساس علائق خاص خودشان به این مراکز می پیوندند. نود درصد افرادی که به این خانه‌ها میروند پیش‌آهنگان هستند ولی هیچ ممنوعیتی برای افراد غیر عضو وجود ندارد.

روزنامه جوانان کمونیست شماره ۱۴ نوامبر ۱۹۴۰ شرح گشایش خانه محلی پیشاهنگان را چنین بازگو می‌کند: اتاق‌های نظامی، مجسمه‌سازی، هنر، موزیک، اتاق جوانان علاقه‌مند به علوم طبیعی، اتاق هوانوردی با موتورهای پرواز در اندازه واقعی آن و صفحه کنترل، اتاق مکانیک با ابزار آلات ماشین. این مرکز را خانه پیشاهنگان نامگذاری کرده‌اند زیرا که از کاخ پیشاهنگی کوچکتر و از نظر امکانات پایین‌تر است. "پیشاهنگان" یک تشکیلات دولتی برای کودکان بین سنین ۱۰ تا ۱۶ سال میباشند. کودکان کم سن‌تر (بین ۸-۱۱ سال) میتوانند به "اکتبریستها" ملحق شوند. لیگ جوانان کمونیست برای سنین ۱۴ تا ۲۳ سال است. قسمتهای مخصوصی از پارک‌ها دارای وسائل سرگرمی، هم تفریحی و هم مستقما آموزشی، هستند. اردوهای تابستانی در تعطیلات مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرند. این مجموعه تدارکات کودکان، بازدید کنندگان از اتحاد شوروی را شگفت زده کرده است؛ برنارد پارس می‌نویسد: "گذشته از کارهای دیگری که کمونیسم کرده، شکل نوینی از کودکی در روسیه را در اذهان خلق کرده است."

۸- آموزش فنی و حرفه‌ای

چندین سال است که یک سیستم مدارس آموزش صنعتی در کنار کارخانجات در اتحاد شوروی فعال شده است. چون روسیه ۱۹۱۷ تعداد اندکی کارگر ماهر داشت، نیاز به این مدارس شدیداً حس میشد. در هر شاخه صنعت و همچنین حمل و نقل، کارگران ماهر بصورت رایگان تربیت می‌شوند. این کارگران مقدار کمی هم مستمراً از طرف دولت در هنگام تحصیل دریافت میکنند. مواد درسی این مدارس شامل دروس عمومی، زبان روسی و ادبیات است.

دستوری در اکتبر ۱۹۴۰ صادر شد مبنی بر اینکه دوره‌های آموزشی کارخانجات و مدارس حرفه‌ای دایر شوند تا پاسخگوی نیازه کارگران جوان ماهر در صنعت باشد. پسران بین سنین ۱۴ و ۱۵ سالگی به این مدارس اعزام می‌شوند. مدارس آموزشی کارخانجات عموماً بر پایه مدارس کارخانجات بنا شده اند باضافه آنکه دارای یک دره ۶ ماهه میباشند، مدارس حرفه‌ای دارای یک دره دوساله هستند. معمولاً سن شروع آموزش صنعتی ۱۵ سالگی است اما زمانی که دوره تحصیل ۱۰ ساله شروع شود به سن ۱۸ سالگی تغییر خواهد یافت.

انستیتوها و موسسات دیگری با دوره‌های مختلف فنی هم برای بزرگسالان و هم برای کودکان وجود دارند. بعضی از کمیساریاها، کالج‌ها و مدارس ویژه تشکیل میدهند و تقریباً هر کارخانه ای "گروه فنی" و دوره تکنولوژیکی مخصوص به خود را دارد. در سال ۱۹۳۶، پانصد هزار کارگر راه آهن در دوره‌های کوتاه مدت فنی و گروه‌های آموزشی مختلف شرکت کرده اند. این امکانات آموزشی رایگان موجب میشود که هر کارگری بدون خدشه در کار روزانه به دانش فنی مورد نیاز خود دست یابد. این سیستم آموزشی در تمام بخشهای صنعت فعال است. کارگران برجسته میتوانند دوره‌های آموزشی پیشرفته را در مراکز صنعتی مخصوص یا انستیتوهای تحقیقاتی بگذرانند. مثلاً آکادمی‌های صنعتی دوره ۳-۵ ساله را برای استاخانویت‌ها (Stajhanovite) استاخانویت، کارگری است که تکنیک کار خود و تیم اش را بالا ببرد به گونه‌ای که در مدت زمان مشخص با همان نیروی سابق حجم بیشتری تولید کند) برگزار میکنند و از میان آنها برجسته‌ترین کارگران برای کارهای مدیریتی در کمیساریاها انتخاب میشوند. حتی نا کارآمده‌ترین کارگران در صورت تمایل میتوانند از طریق این دوره‌ها یک کارگر فنی ماهر شوند.

دوره‌های آموزش فنی نه تنها شامل دوره عمومی برای دروس فنی و سازماندهی تولید هستند، بلکه آموزش عمومی و همچنین دروسی در مورد برنامه اقتصاد سراسری کشور را هم در برمیگیرند. این برنامه‌ها در واقع مهمترین ابزار برای رسیدن به یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت شوروی یعنی "حذف فاصله بین کار فکری و کاریدی" می‌باشد. استالین در یک سخنرانی در کنفرانس استاخانویت‌ها گفت: این تنها زمانی انجام پذیر است که سطح فرهنگی و فنی طبقه کارگر به سطح مهندسان و تکنسین‌ها برسد.

۹ - تحصیلات عالی :

قبل از ۱۹۱۷، تحصیل دانشگاهی در روسیه کلاً منحصر به طبقه اشراف و پیشه‌ور بود. در ۱۹۱۷، تعداد ۹۱ دانشگاه با ۱۱۲،۰۰۰ دانشجو وجود داشت؛ این ارقام در سال ۱۹۴۰ به ۷۰۰ دانشگاه با ۶۵۰،۰۰۰ دانشجو رسید. ملتهای عقب مانده‌تر در اتحاد شوروی سریع‌ترین گسترش را داشته‌اند. بلاروس که در گذشته هیچ دانشگاهی نداشته بود امروز دارای ۲۲ دانشگاه است. دو جمهوری آسیائی روسیه، آذربایجان و ازبکستان، بترتیب دارای ۱۳ و ۳۰ دانشگاه میباشند. در صد دانشجویان زن ۴۷ درصد کل دانشجویان است که خود یک مشخصه نوینی در پیشرفت است.

چهار شکل اصلی دانشگاه در شوروی وجود دارد:

(الف) ۳۰ دانشگاه در شهرهای اصلی، هر کدام دارای رشته‌های مختلف تحصیلی هستند.

(ب) انستیتوهای آموزش‌های عالی، تنها یک رشته تحصیلی دارند و در سطح استانارد دانشگاهی هستند.

(ج) آکادمیهای صنعتی تخصصی، به کارگران صنعتی آموزش عملی و تئوریک در سطح دانشگاه میدهند.

(د) انستیتوهای تخصصی دیگر، برای معلمان، متخصصین کشاورزی، حقوقدانان، موسیقی دانان، هنرمندان، هنر پیشه‌ها، کارگردانان، نویسندگان، و مربیان ورزشی.

ورود به دانشگاه بر اساس شایستگی و لیاقت است. طبق قانون سپتامبر ۱۹۴۰، ورودیه بسیار کمی گرفته میشود، البته به دانشجویان شایسته کمک هزینه پرداخت میشود. این کمک هزینه برای گذراندن امورات زندگی دانشجو تا زمانی که درس می‌خواند کافی است. دانشجویانی که شایستگی نشان دهند ورودیه خود را از همین کمک هزینه تحصیلی پرداخت میکنند. برای گیرندگان بورس تحصیلی هزینه دیگری وجود ندارد و دانشگاه مجانی است.

همچنین، دانشجویان از طریق سرویس‌های مختلف کمک مالی میشوند و این خدمات بطور رایگان و یا با تخفیف بسیار بالا به آنها ارائه میشوند، مانند هزینه مسافرت با قطار در تعطیلات طولانی تابستان. در بسیاری از شهرها "شهرک‌های دانشگاهی" وجود دارد که همه نیازهای تحصیلی و شخصی دانشجویان از کتابخانه‌ها تا رستورانهای کم هزینه و لباس شویی‌های مجانی را بر آورده می‌کند. هیچ مشکلی برای ازدواج دانشجویان وجود ندارد. تعدادی از دانشجویان متأهل هستند و فرزند دارند؛ دانشگاه هم مانند کارخانجات دارای مهد کودک برای کودکان آنها است. هر دانشگاهی گروه پزشکی، اتاق استراحت، و درمانگاه مخصوص بخود را دارد. خوابگاه‌های دانشگاه شامل بخشهای مجزا برای متاهلین و مجردها می‌باشد. در دانشگاه‌ها کلوب‌های متعددی تشکیل شده‌اند، در دانشگاه‌ها ورزش در همه اشکال آن تشویق میشود.

آموزش دانشگاهی در شوروی تلاش دارد که جامع و همه جانبه بوده و بزندگی ارتباط داشته باشد. دروس مارکسیسم-لنینیسم (شامل تاریخ، اقتصاد و تئوری سیاسی) حتی در دوره‌های بسیار تخصصی تدریس میشوند. کمتر از نیمی از زمان به تدریس اختصاص داشته و بقیه در کلاسهای مباحثه که موازی با تدریس ارائه میشوند صرف میشود. هر دوره دانشگاهی پنج سال طول می‌کشد؛ بتدریج زمان بیشتری برای مطالعه شخصی و کار عملی که مورد تاکید بیشتر است اختصاص داده میشود. در مدارس یا دانشگاههای اتحاد شوروی هیچ‌گونه آموزش مذهبی داده نمی‌شود. هیچ‌گونه تعطیلات رسمی مذهبی یا آئین دینی مانند دعای صبحگاهی وجود ندارد. علاوه بر این، تمام دروس بر اساس دیدگاه ماتریالیستی ارائه میشوند، و شاید این یکی از مهمترین تفاوت بین آموزش در اتحاد شوروی و آموزش در کشور ماست.

شش ماه قبل از آنکه دانشجوی شوروی دانشگاه را تمام کند او مطمئن است که صاحب شغل خواهد شد زیرا با گسترش سریع همه زندگی اقتصادی کشور، تقاضا برای متخصص فنی آموزش دیده، برای معلم و.... بیشتر از عرضه است. در همین حل نیاز فرهنگی جامعه به گونه‌ای است که حتی دانشجویان هنر، نویسندگان، بازیگران سینما و مانند آن نیز ضمانت شغلی دارند.

به غیر از دانشگاه‌های عادی ، بیش از ۲۰۰،۰۰۰ نفر در دوره های مکاتبه‌ای در تحصیلات عالی که هم‌ردیف دوره‌های دانشگاهی است شرکت دارند. هزاران نفر دیگر در مؤسسات عصرانه درس می‌خوانند و تقریباً همه دانشگاه‌ها برای دانشجویان نیمه وقت دروسی را ، اضافه بر دروس مکاتبه‌ای، عرضه میکنند.

۱۰- تحصیل برای بزرگسالان

اتحاد شوروی به عنوان "سرزمین دانشجویان" توصیف شده است. کار ریشه کن کردن بی‌سوادی در میان بزرگسالان منجر به آموزش توده تازه با سواد شد. آموزش گسترده بزرگسالان از طریق ایجاد گروه های مطالعه و بحث در کارخانجات، مزارع کشاورزی و از طریق رادیو، مطبوعات و سینما و روزنامه دیواری و غیره به پیش میرود. آنهایی که میخواهند در موضوع خاصی مطالعه عمیقتر داشته باشند میتوانند از طریق آموزش مکتبه‌ای یا کلاس عصرانه و غیره این کار را انجام دهند. آنها میتوانند مطالعه در زمینه موضوعات فرهنگی عمومی، و یا سرگرمیها یا دروس حرفه‌ای مربوط به کارشان را پیگیری کنند.

تعداد زیادی کلوب هم جزء مراکز آموزش هستند، همین طور هم مراکز تفریحی ، در شهرهای بزرگ آنها را بحق "کاخ فرهنگ" نام نهاده اند زیرا که مجهز به تئاتر، سینما، کتابخانه، اتاق موزیک، اتاق مطالعه، سالن ورزش و غیره هستند. همین امکانات در مکانهای مشهور به "پارک فرهنگ و فراغت" که دارای سینمای سرباز و کنسرت میباشند یافت میشوند. تئاتر شوروی ، اپرا و باله برگرفته از کلاسیک‌های روسی و خارجی، به همراه کار هنرمندان مدرن ، دارای یک استاندارد بالا بوده و نزد مردم بسیار محبوب اند. در جمهوریهای غیر روسی که در گذشته بدوی و عقب مانده بودند رنسانس فرهنگی بسیار برجسته است.

مقایسه آمار تعداد مراکز فرهنگی در سی سال گذشته نشان دهنده عدم رشد فرهنگی در روسیه قبل از ۱۹۱۷ میباشد.

	۱۹۱۳	۱۹۳۳	۱۹۴۰
تئاتر	۱۵۳	۵۸۷	۸۲۵
کلوب	۲۲۲	۶۱،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
کتابخانه	۱۲،۶۰۰	۴۰،۰۰۰	۷۰،۰۰۰

آموزش بزرگسالان همچنین در " دانشگاههای روز یک شنبه" صورت میگیرد ، جایی که افراد میتوانند در روزهای تعطیل خود در کلاسها حضور یافته و آموزش ببینند و همچنین در دانشگاههای والدین ، جایی که روشهای نگهداری و بهزیستی کودکان را آموزش میدهند .

یکی از مفیدترین روشهای آموزش فرهنگی ، استفاده از سینما است. صنعت فیلم سازی از سال ۱۹۱۷ گسترش یافته و کارگردانان شوروی مانند ایزنشتاین دارای شهرت جهانی هستند. سینمای سیار بطور وسیعی بکار گرفته میشود و فیلمها را به مناطق دور افتاده کشاورزی، به جنگلهای سیبری، و به روستاهای بدوی قزاقستان میبرد. برای مناطق دور شمالی، اپراتورها دستگاههای خود را با سگ یا گوزن (به صورت سورتمه- مترجم) حمل می‌کنند. استودیوهای زیادی وجود دارند که تخصص آنها ساختن فیلم برای کودکان و نوجوانان است.

هر اندازه که این موفقیتها عظیم باشند، نیازها از آن در بسیاری از مناطق بیشتر اند. هنوز در برخی مناطق کار ریشه کنی بی‌سوادی باتمام نرسیده است. بر طبق گزارش ماه آوریل "مجله بریتانیا- شوروی" بی‌سوادی در بعضی مناطق دور افتاده تا سطح ۲۴ درصد میرسد که در برنامه دولت باید آن تا سال ۱۹۴۲ ریشه کن شود.

یکی از قدرتمندترین مراکز آموزش بزرگسالان "ارتش سرخ" است. همه جوانان، به غیر از کسانی که از لحاظ سلامتی مشکل دارند، حداقل دو سال در ارتش خدمت میکنند. در دوران صلح، بیش از نیمی از زمان خدمت سربازان صرف آموزش نه تنها نظامی بلکه هنر، موسیقی، نمایش، ادبیات، علوم و غیره می‌شد. خانه‌های ارتش سرخ امکاناتی مشابه امکانات کلوبها و کاخ‌های هنر فراهم میکنند.

(آنچه که نقل شد، راجع به سیستم آموزشی قبل از حمله به شوروی در ژوئن ۱۹۴۱ می‌باشد.)

آموزش در دوران وضعیت جنگی

منتخبات زیر از روزنامه‌های شوروی و همچنین مقالاتی که اخیراً چاپ شده‌اند ما را تا حدودی از آنچه که در این دوره در اتحاد شوروی می‌گذرد آگاه می‌کند.

"تجاوز نظامی نباید آموزش را متوقف کند."

(بر گرفته شده از یک مقاله ای در "پراودا"، که در بخش اخبار جنگی شوروی در ۲۱ ژانویه ۱۹۴۲ نقل قول شده است)

"جنگ موجب تغییرت زیادی در سیستم آموزش عالی شوروی شده است. همه کارها در همه‌جا باید بر اساس نیازهای جنگ تعدیل شوند... مردان و زنان جوانی که باید کشاورز، مهندس و یا معلم می‌شدند امروز با حرارت تمام مشاغل نظامی را برگزیده‌اند."

"نزدیک به ۲۵۰۰ دانشجو و معلم از انستیتوهای آموزش عالی لنینگراد بصفوف رزمندگان های ارتش سرخ پیوسته‌اند. بسیاری از دانشجویان دختر آموزش پرستاری دیده‌اند. دبیرستانها بسرعت تخلیه شدند و کارشان را بخوبی در دورتر از جبهه ادامه میدهند. با کمک تشکلهای محلی، این امکان بوجود آمد که تدریس و کار در آزمایشگاه‌های باز سازی شده سازمان داده شود."

"دروس آموزشی باید امروزه کوتاه شوند، و همچنین سرعت آموزش باید چند برابر شود. ما دیگر امروز نمیتوانیم درس دادن و یاد گرفتن را به صورت تفریحی و دلخواه به پیش ببریم... تعطیلات کوتاه شده‌اند و تاریخ امتحانات به عقب افتاده است... جنگ به ما ضرورت ایجاد تخصص‌هایی که علم را به امور نظامی پیوند میدهند نشان داد. امروزه دانش‌آموزان بسیاری تجربه کاری خود را از طریق کاردرموسسات دفاعی و یا در بخش‌هایی که وسایل مورد نیاز جبهه‌ها را تولید میکنند کسب میکنند. کسب دانش نظامی بدون در نظر گرفتن رشته تحصیلی دانشجویان اجباری شده است. هر جوان متخصص شوروی باید هر لحظه آماده باشد که به یک رزمنده یاب‌ه یک فرمانده ارتش سرخ تبدیل شود. آموزش و تمرین نظامی در شرایط نزدیک به وضعیت جبهه‌ها، از مهمترین جزء برنامه تحصیلات عالی در انستیتوها می‌باشد"

"کودکان دانش آموز چکار میکنند"

(گاوریلوف، کمیسر خلق برای آموزش، نقل از اخبار جنگ شوروی در ۳ دسامبر ۱۹۴۱)

"امروز ارتش بزرگی از دانش آموزان مدارس اتحاد شوروی با کار در مزارع اشتراکی یا دولتی سهم خود را در دفاع از کشور ادا میکنند. در ناحیه کوی بی شف (Kuibishev)، ۴۶۰۰۰ دانش آموز زیر نظر مربیان خود مشغول بکار هستند. در مناطق دور از جبهه، جایی که دانش آموزان بطور عادی به تحصیل خود ادامه میدهند، آموزش نظامی از مهمترین دروس است. گروه‌های مدرسه، ذخیره برای ارتش سرخ - راننده، خلبان، راننده موتور، تکنسین هوایی، و غیره - تربیت میکنند. در ساراتف (Saratov) و نواحی دیگر، دانش آموزان دبیرستان و دبیران رانندگی تراکتور را آموزش می‌بینند."

"کشاورزان مزارع اشتراکی ناحیه کالی نین (Kalinin) تعمیرات و تغییرات زیادی در مدارس بوجود آوردند. روز دوشنبه، دانش آموزان و معلمان برای برداشت محصولات به کمک کشاورزان رفتند. در اسوردلسک (Sverdlosk)، در طول تعطیلات تابستان بیش از ۵۰،۰۰۰ پسر و دختر در مراکز صنعتی کار کردند. بخش ایودلسک (Ivdelsk)، شمالی‌ترین ناحیه منطقه اورال است، در آنجا هنوز قبائل چادرنشین که با پرورش گوزن و شکار زندگی را میگذرانند وجود دارد. با این وجود همه کودکان به مدرسه میروند و در امر دفاع از کشور کمک میکنند. مدارس متوسطه ایودلسک، ۷۴ دانش آموز خود را به کمبینات (Kombinat) (مدرسه فنی) فرستاد. کودکان کم سن تر آهن قراضه‌های جمع آوری میکنند که نتیجه کارشان جمع آوری چهار تن آهن بوده است."

"کودکان مقدمند"

(نقل از اخبار جنگ شوروی، ۶ فوریه ۱۹۴۲)

"مراقبت از کودکان یکی از عمده ترین مسئولیت‌های امروز ما می‌باشد. شهرها و روستاهای ویران شده قابل باز سازی اند. کارخانه‌ها و کارگاه‌های تعطیل شده را میتوان براه انداخت. اما بسختی می‌توان به نوجوان آواره و محروم شده از نشاط کودکی، زندگی عادی را بازگرداند...."

"ساکنین مناطقی که مورد تجاوز نظامی قرار گرفته اند و یا نزدیک به خط مقدم جبهه هستند به روستاها و شهرهای دورتر منتقل شده اند. کودکانی که از این مناطق تخلیه شده اند خود را با محیط‌های جدید و نا آشنا مواجه می‌بینند.... امروز بیش از هر زمان دیگری آنها نیاز به مراقبت و محبت از طرف میهن بطور کل و همچنین همه شهروندان بطور انفرادی دارند. در مناطق آزاد شده اولین قرص نان و اولین خانه مرمت شده متعلق به کودکان است. در زمان تخلیه اولین قطار برای کودکان است..."

"به کودکان اطمینان داده شده است که از آنها در خانه‌ها و کودکستان‌های مختلف مراقبت حرفه ای بعمل خواهد آمد و بطور عادی تغذیه خواهند شد. به کودکان فرصت آموختن و استراحت داده شده، همچنین عادت به کارکردن را به آنها یاد میدهند. این خانه‌های کودکان مدارس شبانه روزی اند که در وضعیت بسیار عالی قرار دارند و وجودشان اساسی است. اما آنها نمیتوانند جای خانواده را بگیرند، و کودکان بسیاری که والدین خود را از دست داده اند نیاز به خانواده دارند...."

"همه مردم کشور اخبار مربوط به پیشگامی زنان کارگر در کارخانه "کراسنی بوگاتیر" (Krasny Bogatyr) را شنیده اند؛ این زنان کودکان بی سرپرست را به فرزندی قبول کرده اند. در جمهوری ازبکستان در آسیای مرکزی، یک آموزگار زن نیز این کار را کرده است. با سرمشق گیری از این عمل، تمام کودکانی که به تاشکند فرستاده شدند تنها در ظرف چند روز دارای سرپرست شدند.

"ما نمیتوانیم دست روی دست گذاشته و با خیال راحت استراحت کنیم و دولت را در رفع نیازمندی‌های کودکان بی سرپرست تنها بگذاریم. امروز تمام شهروندان با ابتکارات شخصی خود باید به حزب و دولت که درگیر مسئولیت‌های زیادی است یاری رسانند. آموزش کودکان از بازآموزی آنها آسان تر است...."

این نقل قولها تصویر کاملی از آموزش در شوروی در طول جنگ را نمیدهند. بسیاری از مناطق دور از جبهه توانسته اند زمان بندی عادی آموزش خود را حفظ کنند و کودکان این مناطق اثرات جنگ را مستقیماً حس نمیکند. اما همه از آن آگاه اند و برای کمک به کشور هر کاری که میتوانند دارند انجام میدهند.

این خلاصه نمیتواند تصویری جامع از آموزش در اتحاد جماهیر شوروی برای تمام شهروندان ، از کودکان تا بزرگسالان، ارائه دهد. اما امید بر آن است که این مقدمه‌ای برای بحث و مطالعه ی عمیقتر باشد . لیستی برای مطالعه بیشتر ارائه شده است.

BIBLIOGRAPHY

"CHANGING MAN." Beatrice King. Published 1936. Gollancz, 10/6. An account of the Soviet educational system.

"RUSSIA IN FLUX." Sir John Maynard. Gollancz. 7/6. Gives some account of the Czarist background.

"SOVIET COMMUNISM." Sidney and Beatrice Webb. Longmans. 21/-. A standard reference book on U.S.S.R., obtainable from many libraries. (Chapter 10, Section C.)

"YOUTH OF RUSSIA." Hebe Spaul. Published 1933. Nicolson and Watson. An interesting account of earlier years of Soviet system.

"THE U.S.S.R. SPEAKS FOR ITSELF." Vol. 3. Democracy in Practice. Vol. 4. Culture and Leisure. 1941. Lawrence and Wishart. 2/6. Articles by Soviet citizens, written for the New York World's Fair.

"LAUGHING ODYSSEY." Eileen Bigland. 1937. Hodder and Stoughton. 2/6. An entertaining account of life in the U.S.S.R., with a good deal about children.

"MOSCOW IN THE MAKING." Sir E. D. Simon and others. 1937. Longmans. 3/6.

"UNIVERSITIES IN THE U.S.S.R." University Labour Federation. 1941. 4d.

"CHILDREN IN THE U.S.S.R." Beatrice King. Russia Today Society. 2d.

“RUSSIA.” Sir Bernard Pares. “Penguin,” 6d. Chapter on Social Services.

“SOVIET SOCIALIST CONSTITUTION.” Russia To-day Society. 4d.

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

اکتبر ۲۰۱۳

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل)

toufan@toufan.org

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

<http://kanonezi.blogspot.se/>

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توییتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>